

ارائه الگویی به منظور شناسایی عوامل بستر ساز موفقیت دهیاری‌ها (مطالعه موردی: دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه)

خدیجه مرادی* - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

عبدالحمید پاپزن - دانشیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، و عضو مرکز پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی - اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۳۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۲/۱۳

چکیده

دهیاری‌ها از نهادهای محلی مدیریت روستایی هستند که از سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون "تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور" تأسیس شدند. بر مبنای آمار موجود، استان کرمانشاه از نظر تعداد دهیاری‌ها، پس از استان خراسان رضوی، رتبه دوم کشور را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که با گذشت ۸ سال از شکل‌گیری این نهاد جدید مدیریتی در روستاهای استان، تا کنون مطالعه‌ای در زمینه بررسی فعالیت دهیاری‌ها و عوامل بستر ساز موفقیت این نهاد انجام نشده است. هدف از انجام تحقیق کیفی حاضر که با بهره‌گیری از روش تئوری بنیانی صورت گرفته، آن است که ضمن بررسی فعالیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، عوامل بستر ساز موفقیت این نهاد را از دیدگاه دهیاران شناسایی کند. جامعه مورد مطالعه، دهیاران دهستان بالادربند بودند که ۱۲ نفر آنان به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه عمیق و گروه‌های متمرکز جمع‌آوری و در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که بخش عمده فعالیت دهیاران مورد مطالعه، در زمینه اجرای طرح‌های روستایی و برنامه‌های خدمات عمومی بوده است و دهیاران مواردی نظیر حکمروایی محلی مطلوب، رضایت شغلی و ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای دهیار، تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری را به عنوان عوامل بستر ساز موفقیت این نهاد در انجام وظایف قانونی‌شان اثربخش دانستند. نتایج این مطالعه برنامه‌ریزان توسعه روستایی را یاری خواهد کرد تا با فراهم آوردن بسترهای لازم، زمینه تحقق مدیریت روستایی پایدار و اثربخش را مهیا سازند.

کلیدواژه‌ها: دهیاری، موفقیت، تئوری بنیانی، حکمروایی محلی مطلوب.

مقدمه

ساختارهای اجتماعی نظام مدیریت روستایی ایران طی سالیان متمادی تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای را پشت سر گذاشته و خلأ مدیریت کارآمد در روستاها، در تمامی این ادوار به‌ویژه تا سال ۱۳۴۰، مشکلات عدیده‌ای برای روستاییان ایجاد کرده است. اگرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشکلهایی با نام‌های شورای اسلامی، خانه همیار، دفتر عمران روستایی و مواردی از این قبیل شکل گرفتند، اما به دلیل نداشتن زمینه‌های لازم و سازمان‌های اجرایی مرتبط، به توفیق چندانی در مدیریت نواحی روستایی کشور دست نیافتند (طالب، ۱۳۷۶، ۱۳). به واسطه این نابسامانی‌ها، در سال ۱۳۷۷ قانون "تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور" به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به وزارت کشور اجازه داده شد تا به منظور اداره امور روستاها و توسعه پایدار روستایی، نهادی به نام "دهیاری" تأسیس کند. به موجب قانون مذکور، این نهاد می‌بایست با توجه به ویژگی‌های محل و با درخواست اهالی، به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاهای بالای ۲۰ خانوار - که بیش از ۳۵۰۰۰ روستا در کشور است - تأسیس گردد. بر این اساس، روستاهای واجد شرایط تأسیس دهیاری شامل ۵۳/۴ درصد روستاهای کشور است که ۹۵/۳ درصد جمعیت روستایی کشور را در بر می‌گیرد (مه‌دوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴، ۱).

استان کرمانشاه یکی از استان‌هایی است که رویکرد جدید مدیریت روستایی را در قالب تأسیس دهیاری‌ها، به کار گرفته است. با استناد به آمار موجود، از سال ۱۳۸۲ تا کنون تعداد ۱۳۶۷ مجوز تأسیس دهیاری در استان صادر شده است که این تعداد ۸۲/۸ درصد روستاهای واجد شرایط را شامل می‌شود. طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران، در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی، وظایفی در قالب یک ماده و ۴۸ بند برای دهیار و دهیاری تعیین شده است (همان، ۲۸). اگرچه، دهیاری‌های استان کرمانشاه از بدو تأسیس تا کنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولتی در زمینه‌هایی نظیر اجرای طرح‌های هادی و ارائه خدمات عمومی فعالیت‌هایی انجام داده‌اند، اما شواهد موجود گویای آن است که این نهاد در انجام موفقیت‌آمیز وظایف دیگر خود با محدودیت‌ها و تنگناهایی نظیر تازه تأسیس بودن،

تجربه اندک دهیاران در عرصه مدیریت روستایی، محدودیت منابع اعتباری و جلب مشارکت‌های مردمی مواجه است. از این رو، مشکلات مدیریتی روستاهای استان همچنان به عنوان یکی از چالش‌های فراروی برنامه‌های توسعه پایدار روستایی مطرح است (دربان آستانه، ۱۳۸۹، ۷).

به نظر می‌رسد، بخش اعظم این چالش به دلیل فراهم نبودن زمینه‌ها و بسترهای لازم اتفاق افتاده، که گذر از آن مستلزم بررسی پیش‌شرط‌ها و عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها از دیدگاه کنش‌گران اصلی مدیریت روستا - یعنی دهیاران - است. از آنجا که موفقیت هر نهاد مدیریتی نیازمند وجود پیش‌زمینه‌ها، و ساختارهای اداری و تشکیلاتی مناسب با آن نهاد است، قدم نخست شناسایی عوامل مذکور خواهد بود. از طرفی، پس از گذشت ۸ سال از تجربه دهیاری در استان کرمانشاه، تا کنون مطالعه‌ای در زمینه بررسی وضعیت این نهاد و پیش‌شرط‌های موفقیت آن در استان صورت نگرفته است. در این پژوهش کیفی کوشش می‌شود ضمن بررسی وضعیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، با بهره‌گیری از روش تئوری بنیانی، الگوی عوامل بسترساز موفقیت این دهیاران در انجام وظایف قانونی استخراج شود. نتایج این مطالعه می‌تواند راهگشایی باشد برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان عرصه مدیریت روستایی، تا با فراهم ساختن بسترهای لازم، موجبات موفقیت نهاد محلی دهیاری را در مسیر گذر از چالش‌های مدیریتی مهیا سازد. بدین ترتیب، ضمن امکان رقابت سالم میان دهیاری‌ها و ایجاد انگیزه شغلی در میان دهیاران، بسترهای مشارکت مردم محلی در مدیریت پایدار روستایی تحقق خواهد یافت.

مبانی مفهومی

مدیریت روستایی، فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست (رضوانی، ۱۳۸۸، ۲۱۱). روستاها به منزله مکان‌هایی با شیوه زندگی و فعالیت‌هایی متفاوت در مقایسه با شهرها، نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با قوانین عرفی و شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر روستاها هستند. نگاهی به سیر تاریخی

مدیریت روستایی کشور گویای آن است که در دوران پیش از مشروطیت، روابط و تحولات در محیط روستا بر پایه خواست و نیاز مالک نظم می‌یافت. بعد از برقراری مشروطیت، اداره امور آن به کدخدا واگذار گردید که با رضایت مالکان ده و تصویب مباشر و مالک و امضای نایب‌الحکومه انتخاب می‌شد (طالب، ۱۳۷۶، ۷). با اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰ و فروپاشی نظام مدیریتی روستا (مالک و ارباب)، دولت به شیوه‌های مختلف سعی داشت حضورش را در روستا تقویت کند. نیروهای دولتی در قالب سپاه ترویج، سپاه بهداشت، سپاه دانش، انجمن ده، خانه انصاف و خانه فرهنگ روستایی در روستاها حضور یافتند و شرکت‌های تعاونی روستایی نیز به منظور پر کردن خلأ مدیریت مالی، که با کوتاه کردن دست مالکان در روستاها به وجود آمده بود، شکل گرفتند (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴، ۲۶). پس از انقلاب اسلامی، وظیفه مدیریت روستایی برعهده شورای اسلامی روستا گذاشته شد که جایگزین انجمن ده گردید، اما به مدت ۲۰ سال بدون بازوی اجرایی به فعالیت خود ادامه داد. در جریان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با در پیش گرفتن رویکرد تمرکززدایی تلاش گردید تا زمینه واگذاری برخی از وظایف اجرایی دستگاه‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی و محلی فراهم گردد. با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌ها در سال ۱۳۷۷، نهاد دهیاری در نوک پیکان مدیریت روستایی قرار گرفت. بر اساس قانون مذکور، مقرر گردید همه روستاهای بالای بیست خانوار کشور که دارای شورا هستند، دهیار داشته باشند؛ که به مدت ۴ سال با معرفی شورا و حکم بخشداری منصوب می‌شود.

نگاهی گذرا به تاریخچه مدیریت روستایی کشور و مشاهده عدم تحول اساسی در پایه‌های زندگی مردم، مشخص می‌سازد که در طول زمان به نقش سازمان‌ها و تشکل‌های خودجوش محلی برای مدیریت امور مختلف روستاها کمتر توجه شده و این امر از دست رفتن فرصت‌های مشارکت مردم را به دنبال داشته است. در زمان حاضر، نقش نهادهای محلی و مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی مورد تأکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که دستیابی به توسعه همه‌جانبه و یکپارچه روستایی بدون اتخاذ روش‌هایی که زیربنای‌شان مشارکت مردم و

نهادهای محلی باشد، میسر نیست. بدیهی است حمایت از فرایندهای مستمر مشارکت در گرو توجه به سازمان‌ها و نهادهای محلی است (پاپزن و علی‌بیگی، ۱۳۸۵، ۴۰). مدیریت جدید روستایی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت را در دستور کار قرار دهد و قادر به تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فضاها روستایی باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۲۳۰).

پیشینه نگاه‌ها

بدون شک، موفقیت هر نهاد مدیریتی نیازمند وجود پیش‌زمینه‌ها، ساختارهای اداری و تشکیلاتی مناسب با آن نهاد است. در زمینه پیش‌نیازها و عوامل تعیین‌کننده موفقیت دهیاری‌ها مطالعات اندکی در کشور انجام شده است. از این رو در این پژوهش، مطالعات مرتبط با مدیریت روستایی و نیز حکومت‌های محلی مبنای پیشینه نگاه‌ها قرار گرفته است. طالب (۱۳۷۶، ۶۹) در بررسی به‌عمل‌آمده از چند روستا در شهرستان همدان و گنبد و دشت، به این نتیجه رسید که فعالیت‌های اجرایی در سطح روستا نیازمند تمرکز مدیریت در دست یکی از اهالی روستاست. وی علاوه بر یکپارچگی مدیریت روستا، دیگر الزامات توفیق فعالیت‌های اجرایی روستا را در قالب موارد ذیل برشمرده است: پذیرش مردم، انتخاب دهیار از میان رهبران اجتماعی روستا یا منسوب به آنها، پشتوانه اجتماعی، حمایت دستگاه‌های اجرایی مختلف به‌ویژه بخش‌داری‌ها، ویژگی اعضای شورای اسلامی روستا که دهیار را انتخاب می‌کنند و بالاخره، ویژگی‌های دهیار.

به‌رغم آن که وفق قانون باید فعالیت‌های مشابه و موازی دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با توسعه و عمران روستاها حذف گردد، دستگاه‌های مختلف اجرایی با وظایف مشابه و موازی در برنامه‌ریزی و مدیریت روستاها حضور دارند. البته انتظار نمی‌رود که یک دستگاه همه امور اجرایی در روستاها را انجام دهد، از این رو هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف اجرایی حاضر در عرصه روستاها اهمیت فراوانی دارد. از این رو، مهدوی و نجفی‌کانی (۱۳۸۴، ۲۵) هماهنگی دستگاه‌های اجرایی متولی مدیریت روستایی را به عنوان یکی دیگر از لازمه‌های موفقیت

دهیاری‌ها مطرح کرده‌اند. دربان آستانه (۱۳۸۹، ۷) نیز در تحلیل وضعیت حکمروایی روستایی در سطح حکومت‌های محلی شهرستان قزوین، مواردی نظیر رضایت شغلی دهیار، تحصیلات و سبک مدیریت وی، تعامل دهیاری با دهیاری‌های همجوار، تجربه دهیار و تجهیزات دهیاری را به عنوان مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر موفقیت حکومت‌های محلی مورد مطالعه (شوراهای اسلامی و دهیاری) برشمرده است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۶، ۲۱) ضمن تأکید بر نقش تسهیل‌گری نیروهای بیرونی (دولت و بازار) در مدیریت روستایی و مهم شمردن نقش روستاییان در مدیریت مشارکتی روستا، درگیر کردن مردم محلی با تأکید بر گروه‌های حاشیه‌ای، توجه به نیازها و اولویت‌های مردم مطابق با پتانسیل‌ها و استعدادها موجود و توجه به پیشینه فرهنگ و آداب و رسوم روستاییان را، از جمله پیش‌شرط‌های لازم برای موفقیت نهاد مدیریتی دهیاری دانسته است. ایمانی و فیروزآبادی (۱۳۸۶، ۹۳) نیز بر این عقیده‌اند که دهیاری نوعی سازمان محلی است که به مانند سازمان‌های محلی دیگر پایه و اساس آن بر اصل حاکمیت مردم بنا شده و مشارکت اصل فلسفه وجودی آن است.

نتایج مطالعه چوپچیان و همکاران (۱۳۸۶، ۸۷) در بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گلستان، نشان می‌دهد که متغیرهایی نظیر همکاری سازمان‌ها، رضایت شغلی دهیار، همکاری شوراهای اسلامی و مشارکت مردمی ۵۹ درصد واریانس عملکرد دهیاری‌های مورد مطالعه را تبیین کرده است. رضوانی (۱۳۸۸، ۲۳۱) نیز به مواردی نظیر فراگیر بودن، یکپارچگی، خودانگیزی، مردم‌گرایی، هماهنگی با سایر نهادها و داشتن فرهنگ استمراریخی به فرصت‌ها، به عنوان الزامات موفقیت دهیاری‌ها اشاره کرده است. گلدمن^۱ (۵، ۲۰۰۲) ضمن تأکید بر نظارت ارگان‌های دولتی بر نهادهای محلی و سازوکارهای هماهنگی بین سازمان‌های مختلف درگیر در مدیریت‌های محلی، به تشریح نقش بودجه و امکانات در آنها پرداخته است. به عقیده وی، بودجه و تجهیزات شرط لازم برای موفقیت نهادهای محلی است

1. Goldman

که موجب توانمندسازی مالی این نهادها می‌گردد، اما نمی‌توان آن را شرط کافی موفقیت نهادهای محلی قلمداد کرد. حال باید دید موفقیت دهیاری‌ها که از ابتدای تشکیل به صورت نهادی محلی به منظور تحقق مدیریت پایدار روستایی آغاز به کار کرده‌اند، از دیدگاه دهیاران - که کنش‌گران اصلی این نهاد محلی هستند - مستلزم وجود کدام شرایط و بسترهاست. به عبارت دیگر، دهیاران به عنوان مدیران اجرایی روستا چه سازوکارهایی را به منظور انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌های‌شان، ضروری می‌دانند. با استناد به پیشینه نگاشته‌ها، تا کنون در کشور مطالعه‌ای در زمینه بسترها و عوامل زمینه‌ساز موفقیت دهیاری‌ها از دیدگاه کنش‌گران اصلی مدیریت روستایی - یعنی دهیاران - انجام نشده است. از طرفی، انجام پژوهش در این زمینه به دلیل ناشناخته بودن ابعاد و عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها در منطقه مورد مطالعه، با بهره‌گیری از مطالعات کمی امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، انجام این پژوهش کیفی با استفاده از روش تئوری بنیانی و با هدف طراحی الگوی عوامل تعیین‌کننده موفقیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه مورد نظر قرار گرفته است.

وضعیت دهیاری‌های مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه (۱۲ نفر) بودند. دهستان بالادربند از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه است که در ۲۰ کیلومتری شمال‌غربی این شهرستان واقع شده و با تعداد ۵۳ روستا جمعیت ۱۵۹۹۲ نفر را در خود جای داده است. این دهستان با دارا بودن ۹۰۰۰ هکتار اراضی آبی، ۱۹۰۰۰ هکتار دیم، ۱۵۰ هکتار باغ، ۱۰ واحد صنعتی مرغداری گوشتی، ۴ واحد مرغداری تخمی و یک واحد جوجه‌کشی از قطب‌های کشاورزی استان محسوب می‌شود (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۸۷، ۶۹). طی سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ مجوز تأسیس ۱۲ دهیاری در این دهستان صادر شده که در این میان ۶ دهیاری فاقد ساختمان دهیاری، یک دهیاری دارای ساختمان استیجاری است و در ۵ روستا نیز ساختمان دهیاری احداث شده و یا در دست احداث است. از پتانسیل‌های این منطقه می‌توان به وجود چشمه‌های مختلف، سایت گردشگری سراب نیلوفر و وجود معادن متعدد سنگ و شن ماسه اشاره کرد.

دهیاران دهستان بالادربند از میان ۳۵۱۵ خانوار دهستان، تعداد ۲۵۸۵ خانوار و جمعیت بالغ بر ۱۱۹۱۵ نفر (معادل ۷۴/۵ درصد جمعیت دهستان) را زیر پوشش خدمات خود دارند.

روش تحقیق

این مطالعه، به لحاظ ماهیت از نوع پژوهش‌های کیفی و از نظر هدف، از پژوهش‌های کاربردی به شمار می‌آید. نو بودن مطالعه در زمینه عوامل بستر ساز موفقیت نهاد دهیاری و ناشناخته بودن ابعاد آن، استفاده از روش تئوری بنیانی را ضروری می‌نماید. روش تئوری بنیانی یکی از روش‌های تحقیق کیفی مبتنی بر دیدگاه استقرایی است که بر اساس context موجود، ابعاد تشکیل‌دهنده مسئله را روشن می‌سازد (ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۳۵). آنچه این روش را از روش‌های کمی مشابه (تحلیل عاملی) متمایز می‌سازد، عمق مطالعه و کشف ابعاد مختلف با بهره‌گیری از نظر کنش‌گران اصلی و مهم‌تر از آن، ارائه الگو و مدل مبتنی بر یافته‌های پژوهش در Context مورد مطالعه است. در این مطالعه با توجه به مسئله تحقیق، از تکنیک‌های مصاحبه عمیق و گروه‌های متمرکز برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بدین ترتیب، بر اساس آمار دفتر امور روستایی استانداری کرمانشاه (۱۳۸۹)، نمونه‌های مورد مطالعه به روش نمونه‌گیری هدفمند از میان دهیاران دهستان بالادربند انتخاب و طی انجام مصاحبه‌هایی به مدت دست کم یک ساعت با ۱۲ نفر آنان، اشباع تئوریک حاصل گردید. بدین ترتیب که داده‌ها تکراری شد و مورد جدیدی از سوی نمونه‌ها ذکر نگردید (جدول ۱).

حین انجام مصاحبه، علاوه بر یادداشت‌برداری با کسب اجازه از دهیاران، مصاحبه‌ها فیلم‌برداری شد و "داده‌های تصویری"^۱ جمع‌آوری گردید. مرور مکرر فیلم‌ها در جریان تحلیل داده‌ها، این فرصت را برای محققان فراهم آورد که با مکتوب کردن نکات مهم، تحلیل داده‌ها با دقت بیشتری صورت گیرد. به کارگیری روش‌های چندگانه در جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش

1. Visual data

کیفی، اعتبار یافته‌های این روش را از طریق فرآیندی که از آن به سه‌گوشه‌سازی^۱ یاد می‌شود، افزایش می‌دهد (ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۸). سپس به منظور افزایش اعتبار داده‌ها، دو گروه متمرکز ۷ و ۸ نفره از دهیاران تشکیل شد و در آن دهیاران به تبادل نظر در خصوص عوامل بسترساز موفقیت‌شان پرداختند. پژوهشگران در این تکنیک با تسهیل‌گری روند گفت‌وگو را در مسیر دستیابی به اهداف پژوهش هدایت کردند. یادداشت‌ها به شیوه یادداشت‌برداری حاشیه‌ای تنظیم و در کنار داده‌های حاصل از فیلم‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای، در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد (کدگذاری باز شامل فرایند بررسی و مفهوم‌سازی داده‌هاست) در پژوهش حاضر، پس از مرور داده‌ها، جمله‌های دربرگیرنده عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها استخراج و مفاهیم مشابه با یک کد مشترک در قالب ۵۰ مفهوم کدبندی گردید (جدول ۱).

در انتهای کدگذاری باز زمینه شکل‌گیری طبقات فراهم گردید. در کدگذاری محوری، طبقات گسترده و زیرطبقه‌ها در قالب ۶ مقوله تشکیل و در نهایت از طریق مقایسه مداوم^۲ آنها و ادغام برخی طبقات، طبقه محوری^۳ با عنوان حکمروایی محلی مطلوب^۴ مشخص گردید. سرانجام در کدگذاری انتخابی، به منظور ارائه مدل اقتضایی تحقیق، مجدداً الگوی به‌دست‌آمده به هم ریخته شد تا اطمینان حاصل شود که مدل نهایی دارای چه ویژگی‌ها و ترکیبی است و لذا رابطه بین طبقه‌ها دیگر بار مشخص شد و بر اساس رفت و برگشت‌های مداوم میان روابط و واقعیت مورد بررسی، طبقات فرعی پیرامون آن ترسیم گردید. فعالیت عمده و اصلی این مرحله از تحلیل، ایجاد خط سیر داستانی^۵ است که همه طبقات را شامل می‌شود. در پایان، الگوی اقتضایی عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌های دهستان بالادربند، بر اساس یافته‌های تحقیق استخراج گردید.

2. Triangulation
2. Constant comparison
3. Core category
4. Local good governance
5. Story line

جدول ۱. طول مدت مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از دهیاری‌های مورد مطالعه

ردیف	نام روستا	تاریخ مصاحبه	زمان شروع مصاحبه	زمان پایان مصاحبه	طول مدت مصاحبه
۱	داردرفش محمدامین	۸۹/۱۱/۹	۹:۳۰	۱۱:۰۰	۱:۵۵
۲	دره دراز	۸۹/۱۱/۱۴	۱۰:۲۰	۱۱:۴۰	۱:۲۰
۳	سراب نیلوفر	۸۹/۱۱/۱۱	۱۰:۰۰	۱۲:۰۰	۲:۰۰
۴	سیاه کمر	۸۹/۱۰/۲۹	۱۷:۳۰	۱۹:۰۰	۱:۳۰
۵	چقازرد	۸۹/۱۰/۲۶	۱۳:۰۰	۱۴:۳۰	۱:۳۰
۶	عمر مل	۸۹/۱۱/۲	۹:۲۰	۱۱:۳۰	۲:۱۰
۷	باباجان	۸۹/۱۰/۲۶	۱۱:۱۵	۱۲:۳۰	۱:۱۵
۸	گراوند	۸۹/۱۰/۱۹	۱۲:۰۰	۱۳:۳۰	۱:۳۰
۹	شاهینی	۸۹/۱۰/۱۹	۱۳:۳۰	۱۴:۳۰	۱:۰۰
۱۰	کهریز الهیه	۸۹/۱۰/۲۲	۱۵:۲۰	۱۷:۰۰	۱:۴۰
۱۱	دوستوند	۸۹/۱۰/۲۶	۹:۰۰	۱۰:۰۰	۱:۰۰
۱۲	ملک خطابی	۸۹/۱۰/۲۷	۹:۲۰	۱۱:۳۰	۲:۱۰
جمع مدت مصاحبه‌ها: نوزده ساعت و ده دقیقه					۱۰:۱۹

یافته‌های تحقیق

هدف نخست پژوهش حاضر، بررسی وضعیت فعالیت‌های دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه بود. بر اساس یافته‌های مندرج در جدول ۲، بخش عمده فعالیت دهیاران مورد مطالعه، در زمینه اجرای طرح هادی روستا، خدمات عمومی، فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای دولتی بوده است.

جدول ۲. فعالیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه

ردیف	فعالیت‌ها	حوزه فعالیت‌ها
۱	حفظ معابر و اماکن عمومی واقع در حریم روستا	اجرای طرح هادی روستا
۲	نصب تابلوی روستا	
۳	صدور معرفی‌نامه اشتراک آب و برق	
۴	صدور پروانه ساختمان	
۵	گزارش ساخت‌وسازهای غیرمجاز خارج از نقشه طرح هادی	
۶	بهسازی معابر در چارچوب نقشه طرح هادی	
۷	پیگیری روشنایی معابر و گازکشی روستا	
۸	صدور معرفی‌نامه بیمه روستایی	خدمات عمومی و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی
۹	کمک به حل اختلافات روستاییان در محل با همکاری شورا	
۱۰	معرفی خانوارهای واجد شرایط به کمیته امداد و بهزیستی	
۱۱	جمع‌آوری زکات و کمک‌های مردمی	
۱۲	پیگیری ساخت مسجد، تعمیرات آن و احداث خانه عالم	
۱۳	اطفاء حریق هنگام آتش‌سوزی مزارع، مراتع و جاها با همکاری مردم	
۱۴	اعلام قوانین و فرامین دولتی مربوط و پیگیری حسن اجرای آنها	ارتباط با سازمان‌ها و نهادها
۱۵	همکاری و پاسخ به استعلام‌های ادارات مختلف	
۱۶	ارائه گزارش‌های عملکرد ماهانه به بخشدار	
۱۷	گزارش بیماری‌های دامی، و همکاری با مأموران دامپزشکی	
۱۸	تکمیل فرم‌های پیش‌بینی بودجه در پایان سال	
۱۹	همکاری با نیروی انتظامی	

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، به منظور استخراج عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، داده‌های جمع‌آوری‌شده در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. در کدگذاری باز، جمله‌ها یا مفاهیم مربوط به عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها استخراج و در قالب ۵۰ مورد کدگذاری گردید (جدول ۳). لازم به ذکر است که مفاهیم مشابه در قالب کدهای یک‌سان کدبندی شدند.

جدول ۳. مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	مفاهیم	کد
۱	همکاری شورا	A1
۲	آشنایی اعضای شورا با وظایف دهیاری	C1
۳	برگزاری کلاس‌های توجیهی برای آشنایی اعضای شورا با وظایف	C2
۴	همکاری مردم	A2
۵	برگزاری کلاس‌های توجیهی برای آشنایی مردم با وظایف دهیار	C3
۶	امنیت شغلی دهیار	B1
۷	بیمه دهیار	B2
۸	حقوق و مزایای کافی	B3
۹	صبوری دهیار	D1
۱۰	توجه به نیازها و اولویت‌های مردم	D2
۱۱	قابل اعتماد بودن دهیار	B4
۱۲	مصمم بودن و پیگیر بودن دهیار	D3
۱۳	بومی بودن دهیار	B5
۱۴	شناخت دهیار از مناسبات اجتماعی روستا	B6
۱۵	بی‌طرفی دهیار و عدم تبعیض در اجرای قانون	E1
۱۶	وجدان کاری دهیار	E2
۱۷	آشنایی با مکاتبات اداری	B7
۱۸	شرکت در دوره‌های آموزشی تخصصی	B8
۱۹	روابط عمومی خوب	B9
۲۰	توانایی دهیار در جلب مشارکت مردم	A3
۲۱	مشورت با معتمدان روستا	A4
۲۲	تعهد و پاسخگویی دهیار در مواجهه با مردم	D4
۲۳	دسترسی به امکانات، تجهیزات و ماشین‌آلات مناسب با نیازهای روستا	F1
۲۴	توجه به نظر دهیار و مشورت با او در خصوص توزیع ماشین‌آلات و امکانات	F2
۲۵	بودجه و اعتبارات کافی	F3
۲۶	برخورد اقتضایی و انعطاف‌پذیر دهیار	B10
۲۷	آشنایی دهیار با وظایف خود	C4
۲۸	حضور مداوم دهیار در روستا	B11
۲۹	اطلاع‌رسانی بموقع	C5

ردیف	مفاهیم	کد
۳۰	تخصیص بودجه بر اساس فرم‌های پیش‌بینی بودجه	F4
۳۱	تخصیص بودجه بر اساس مطالعات نیازسنجی و پتانسیل‌های روستا	F5
۳۲	اختصاص بموقع بودجه	F6
۳۳	اختصاص عوارض کارخانه‌های منطقه به دهیاری‌ها به عنوان منبع درآمدی برای آنها	F7
۳۴	آزادی عمل در هزینه کردن بودجه و درآمد	E3
۳۵	مستقل بودن نهاد دهیاری	E4
۳۶	فعالیت دهیاری زیر نظر بخشداری (نه شورای اسلامی روستا)	E5
۳۷	توجه به نظر دهیاران در تعیین اولویت پروژه‌های طرح هادی	E6
۳۸	امکان مکاتبه مستقیم دهیاری با سایر سازمان‌ها	E7
۳۹	برگزاری جشنواره دهیاری‌ها و انتخاب دهیاران نمونه	B12
۴۰	رتبه‌بندی دهیاری‌ها	B13
۴۱	تشویق و قدردانی از دهیاران موفق در روستا	B14
۴۲	معرفی دهیار و دهیاری از طریق رسانه‌های عمومی نظیر رادیو و تلویزیون	B15
۴۳	همکاری بنیاد مسکن در تأمین بموقع بودجه طرح هادی	A5
۴۴	توجه به نظر دهیار هنگام تهیه نقشه طرح هادی	A6
۴۵	همکاری، حمایت و پشتیبانی دیگر سازمان‌ها از دهیار	A7
۴۶	معرفی رسمی دهیار در روستا از سوی بخشداری	E8
۴۷	صدور کارت شناسایی برای تسهیل در برقراری ارتباط با سازمان‌های دیگر	E9
۴۸	نظارت بخشداری و پشتیبانی از جایگاه قانونی دهیار	E10
۴۹	ابلاغ شرح وظایف دهیاری‌ها	C6
۵۰	پاسخگویی در برابر بخشداری و سازمان‌های دیگر	D5

همان‌گونه که از گروه کدهای مشابه استنباط می‌شود، در انتهای کدگذاری باز، زمینه شکل‌گیری طبقات فراهم گردید. در کدگذاری محوری، پژوهشگران، کدها و دسته‌های اولیه‌ای را که در کدگذاری باز ایجاد شده بود، با موارد مشابه ادغام و ارتباط بین خرده‌طبقه‌ها را مشخص کردند و در نهایت، طبقاتی با مفاهیم جدید شکل گرفت. از آنجا که مقایسه مداوم از الزامات کدگذاری محوری است، محققان طبقات را با یکدیگر مقایسه و آنها را در قالب ۶ مقوله گروه‌بندی کردند. سرانجام بر اساس مفهوم طبقات گسترده‌ای نظیر توجه دهیار به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های مرتبط، شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، اعضای

خدیجه مرادی و عبدالحمید پاپزن ————— ارائه الگویی به منظور شناسایی عوامل بستر ساز موفقیت دهیاری‌ها
 شورا، مردم و سازمان‌های اجرایی، پاسخگویی دهیار در قبال روستاییان و مسئولان دولتی و
 بالاخره، قانون محوری و استقلال وی، طبقه محوری با عنوان "حکروایی محلی مطلوب" شکل
 گرفت (جدول ۴).

جدول ۴. طبقات گسترده حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

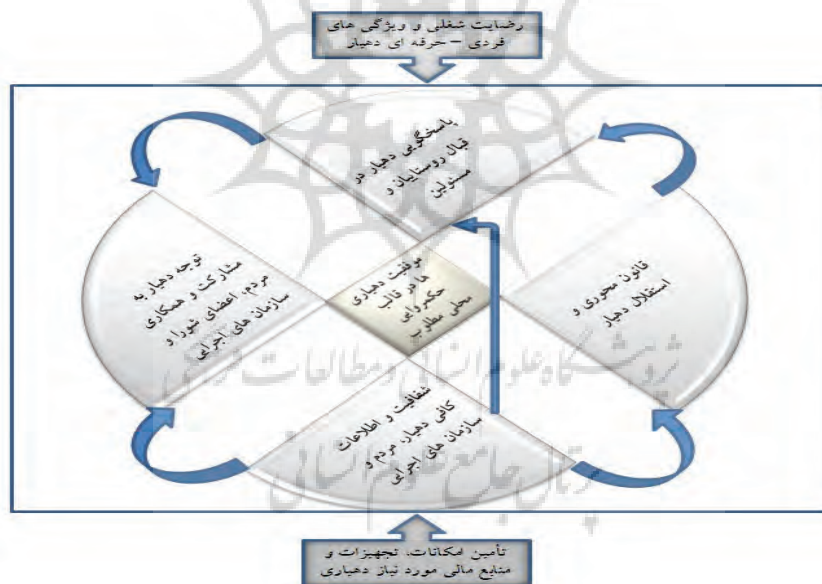
طبقات گسترده	خرده طبقات
توجه دهیار به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های اجرایی	همکاری شورا
	همکاری مردم
	توانایی دهیار در جلب مشارکت مردم
	مشورت با معتمدان روستا
	همکاری بنیاد مسکن در تأمین بموقع بودجه طرح هادی
	توجه به نظر دهیار هنگام تهیه نقشه طرح هادی
رضایت شغلی و ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای دهیار	همکاری، حمایت و پشتیبانی سازمان‌های دیگر از دهیار
	امنیت شغلی دهیار
	بیمه دهیار
	حقوق و مزایای کافی
	قابل اعتماد بودن دهیار
	بومی بودن دهیار
	شناخت دهیار از مناسبات اجتماعی روستا
	آشنایی با مکاتبات اداری
	شرکت در دوره‌های آموزشی تخصصی
	روابط عمومی خوب
	برخورد اقتضایی و انعطاف‌پذیر دهیار
	حضور مداوم دهیار در روستا
	برگزاری جشنواره دهیاری‌ها و انتخاب دهیاران نمونه
	رتبه‌بندی دهیاری‌ها
تشویق و قدردانی از دهیاران موفق در روستا	
معرفی دهیار و دهیاری از طریق رسانه‌های عمومی نظیر رادیو و تلویزیون	

طبقات گسترده	خرده‌طبقات
شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، اعضای شورا، مردم و سازمان‌های اجرایی	آشنایی اعضای شورا با وظایف دهیاری
	برگزاری کلاس‌های توجیهی برای آشنایی اعضای شورا با وظایف دهیار
	برگزاری کلاس‌های توجیهی برای آشنایی مردم با وظایف دهیار
	آشنایی دهیار با وظایف خود
	اطلاع‌رسانی بموقع
	ابلاغ شرح وظایف دهیاری‌ها به سازمان‌های دیگر
پاسخگویی دهیار در قبال روستاییان و مسئولان دولتی	صبری دهیار
	توجه به نیازها و اولویت‌های مردم
	مصمم بودن و پیگیر بودن دهیار
	تعهد و پاسخگویی دهیار در مواجهه با مردم
	پاسخگویی در برابر بخشداری و سایر سازمان‌ها
قانون‌محوری و استقلال دهیار	بی‌طرفی دهیار و عدم تبعیض در اجرای قانون
	وجدان کاری دهیار
	آزادی عمل در هزینه کردن بودجه و درآمد
	مستقل بودن نهاد دهیاری
	فعالیت دهیاری زیر نظر بخشداری (نه شورای اسلامی روستا)
	توجه سیاست‌گذاران به جنبه‌های دیگر توسعه روستایی در کنار طرح هادی
	امکان مکاتبه مستقیم دهیاری با سازمان‌های دیگر
	معرفی رسمی دهیار در روستا از سوی بخشداری
	صدور کارت شناسایی برای تسهیل در برقراری ارتباط با دیگر سازمان‌ها
نظارت بخشداری و پشتیبانی از جایگاه قانونی دهیار	
تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی موردنیاز دهیاری	دسترسی به امکانات، تجهیزات و ماشین‌آلات مناسب با نیازهای روستا
	توجه به نظر دهیار و مشورت با او در خصوص توزیع ماشین‌آلات و امکانات
	بودجه و اعتبارات کافی
	تخصیص بودجه بر اساس فرم‌های پیش‌بینی بودجه
	تخصیص بودجه بر اساس مطالعات نیازسنجی و پتانسیل‌های روستا
	اختصاص بموقع بودجه
	اختصاص عوارض کارخانه‌های منطقه به دهیاری‌ها به عنوان منبع درآمدی برای آنها

در مرحله پایانی یعنی کدگذاری انتخابی، طبقات استخراج‌شده مندرج در جدول ۴، حول طبقه محوری (حکمروایی محلی مطلوب) قرار گرفتند. آنچه در این مرحله اتفاق می‌افتد، تحلیل کل‌نگرانه بر فرایندهایی است که در طول تحقیق رخ داده است و پژوهشگر بر اساس تمامی داده‌هایی که در اختیار دارد و برداشتی که خود در مسیر پر پیچ و خم پژوهش اندوخته است، خط سیر داستان را دنبال می‌کند تا در نهایت به مدل اقتضایی پژوهش منتهی گردد (ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۳۴). داستان، به طور ساده توصیف خاصی از پدیده اصلی‌ای است که مطالعه می‌شود و خط سیر داستانی، مفهوم‌سازی چنین داستانی است (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۰). بر این اساس، پس از انتخاب موضوع و محدوده تحقیق، آنچه ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرد، این موضوع بود که با وجود گذشت ۸ سال از فعالیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، کنش‌گران مدیریت روستا - یا همان دهیاران - چه الزاماتی را برای انجام موفقیت‌آمیز وظایفی که قانون‌گذار برای‌شان معین ساخته است، ضروری می‌دانند.

داده‌های حاصل از ۱۹ ساعت مصاحبه عمیق با ۱۲ نفر از دهیاران این دهستان با بهره‌گیری از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. پس از استخراج ۵۰ مفهوم در خصوص عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌های مورد مطالعه، به نظر رسید که این مفاهیم کلیه استلزامات را در بر گرفته است و نیازی به مراجعه مکرر به نمونه‌های مورد مطالعه وجود ندارد. به بیان دیگر، اعتبار درونی داده‌ها در این مرحله مورد تأیید قرار گرفت. لذا، این مفاهیم در فرایند کدگذاری محوری تحلیل شد و پس از مقایسه مداوم طبقات، ۶ مقوله با عنوان رضایت شغلی و ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای دهیار، تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری، قانون محوری و استقلال دهیار، پاسخگویی وی در قبال روستاییان و مسئولان دولتی، توجه دهیار به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های اجرایی و بالاخره شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، مردم، اعضای شورا و سازمان‌های اجرایی، به عنوان مؤلفه‌های شکل‌دهنده الگوی اقتضایی عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌های مورد مطالعه، استخراج گردید. با مرور روند مذکور، چنین استنباط می‌شود که با کمک مفهوم برخی طبقات نظیر توجه دهیار

به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های مرتبط، شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، اعضای شورا، مردم و سازمان‌های اجرایی، پاسخگویی دهیار در قبال روستاییان و مسئولان دولتی و درنهایت، قانون‌محوری و استقلال وی بتوان طبقه محوری را با عنوان "حکروایی محلی مطلوب" سامان داد؛ چرا که این طبقات، مؤلفه‌های شکل‌دهنده حکمروایی محلی مطلوب به شمار می‌روند و حکمروایی محلی مطلوب امروزه از شاخص‌های موفقیت نهادها در سطح مدیریت‌های محلی (اعم از شهر و روستا) قلمداد می‌شود. از این رو در کدگذاری انتخابی مشخص شد که حکمروایی محلی مطلوب عامل پیونددهنده سایر مقوله‌هاست. بنابراین، پس از تبیین روابط سایر مقوله‌ها با طبقه محوری مذکور، مدل عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها استخراج گردید (شکل ۱).



شکل ۱. مدل عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها
منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، چنین گونه استنباط می‌شود که دهیاران عمدتاً درگیر اجرای طرح هادی و همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی هستند و این امر آنها را از توجه به سایر وظایف مندرج در قانون - نظیر فعالیت‌های زیست‌محیطی - بازداشته است؛ به گونه‌ای که به گفته اکثر دهیاران، "دهیار یعنی مجری طرح هادی و مأمور پاسخگویی به اعلام‌های سایر ادارات و مراجعات مکرر برای پیگیری مشکلات روستا که عمدتاً از سوی سازمان‌های ذی‌ربط بی‌پاسخ می‌ماند". بسیاری از دهیاران مورد مطالعه بر این عقیده بودند که چنانچه متولیان دولتی طرح هادی از آغاز نظر آنها را در تقدم و تأخر طرح‌ها مورد توجه قرار دهند، مشکلات روستاییان سریع‌تر برطرف خواهد شد؛ چرا که دهیاران بومی هستند و بهتر می‌توانند اولویت‌ها و نیازهای روستا را تشخیص دهند. برای مثال به گفته یکی از دهیاران، "ممکن است در روستایی احداث باشگاه ورزشی برای پر کردن اوقات فراغت جوانان روستایی به منظور جلوگیری از پیامدهای اجتماعی ناشی از آن نظیر اعتیاد و مهاجرت، مهم‌تر از بهسازی معابر روستا باشد". به بیان دیگر، درگیری بیش از حد دهیاران در فعالیت‌های عمرانی و مکاتبات اداری، آنها را از توجه به ابعاد دیگر مدیریت روستا باز داشته است. مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴) نیز در مطالعه ۱۳ دهیاری استان آذربایجان غربی به این نتیجه رسیدند که عمده‌ترین فعالیت این دهیاری‌ها، اجرای طرح هادی و سایر فعالیت‌های عمرانی و خدماتی است و تنها یکی از دهیاران (روستای یزدکان) در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی (تشکیل تعاونی تولید فرش) فعالیت کرده است. به نظر می‌رسد، پرداختن دهیاری‌های مورد مطالعه به وظایف دیگر مندرج در قانون، مستلزم فراهم بودن زمینه‌ها و عوامل بسترساز است که در ادامه شرح داده می‌شود.

حکروایی محلی مطلوب

بر اساس یافته‌های پژوهش (شکل ۱)، مهم‌ترین عامل بسترساز موفقیت دهیاری‌های مورد مطالعه، حکروایی محلی مطلوب است. به عبارت دیگر، موفقیت دهیاری‌ها در قالب حکروایی

محلی مطلوب تحقق خواهد یافت. مفهوم حکمروایی محلی مطلوب که کمتر از یک دهه است در پژوهش‌های مدیریت محلی با توجه و تمرکز بر اصول حکمروایی خوب وارد شده، عبارت است از مدیریت شفاف و پاسخگوی منابع انسانی، طبیعی، مالی و اقتصادی به منظور دستیابی به توسعه پایدار و عدالت‌محور (Sheng, 2008, 2). به طور کلی، سه مؤلفه شفاف‌سازی، مشارکت و پاسخگویی در کنار قانونمندی نهادهای محلی از جمله مؤلفه‌های حکمروایی محلی مطلوب است. کارکرد ارزشمند حکمروایی محلی مطلوب در بهره‌برداری بهینه از حداقل منابع موجود با رویکرد اثربخشی، شفافیت و پاسخگویی حکومت‌های محلی، برابری در ارائه خدمات و جلب مشارکت همه کنش‌گران عرصه مدیریت محلی باعث شده است که مؤلفه مذکور به عنوان مبنای ارزیابی نهادهای محلی (نظیر دهیاری‌ها) مورد توجه قرار گیرد. حکمروایی خوب، ضرورتی است برای احقاق حقوق مردم، بستر ساز مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تأثیر آنها بر سرنوشت خویش (Gardiner, 2002, 5).

بر اساس یافته‌های تحقیق (جدول ۴)، طبقاتی نظیر توجه دهیار به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های اجرایی، شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، اعضای شورا، مردم و سازمان‌های اجرایی، پاسخگویی دهیار در قبال روستاییان و مسئولان دولتی، قانون‌محوری و استقلال وی از مؤلفه‌های حکمروایی محلی مطلوب به شمار می‌آید. دهیاران مورد مطالعه برگزاری کلاس‌های توجیهی برای مردم و اعضای شورا، اطلاع‌رسانی بموقع و برگزاری کلاس‌های توجیهی برای دهیاران به منظور آشنایی با وظایف دهیاری را از جمله مؤلفه‌های شکل‌دهنده شفافیت و اطلاعات کافی برشمردند. به عقیده مدیران اجرایی روستاهای مورد مطالعه، شفافیت و اطلاعات کافی، از یک‌سو موجب ایجاد توقع و انتظارات معقول در جامعه روستایی و در نهایت تحقق حکمروایی محلی و موفقیت دهیاری‌ها خواهد شد، و از سوی دیگر امکان پاسخگویی مناسب دهیاران در قبال روستاییان و مسئولان دولتی را فراهم می‌آورد. در پژوهش‌های مربوط به بررسی عوامل بستر ساز موفقیت دهیاری‌ها به عنوان مدیریت‌های محلی، به این یافته اشاره‌ای نشده است و عمدتاً آن را به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی حکومت‌های محلی در نظر گرفته‌اند. بدون شک، استخراج این عامل به عنوان مهم‌ترین پیش‌شرط موفقیت دهیاری‌های مورد مطالعه از نقاط قوت مطالعات کیفی به‌ویژه تئوری بنیانی است که می‌تواند

ابعاد ناشناخته مسئله را از درون زمینه و context استخراج کند. شفافیت و اطلاعات کافی بیش از دیگر ابعاد حکمروایی محلی دارای اهمیت است، تا جایی که به عقیده دهیاران مشارکت و همکاری اعضای شورا، مردم و همکاری سازمان‌های دیگر اجرایی در گرو تحقق شفافیت و اطلاعات کافی در خصوص وظایف دهیاران است که خود مؤلفه دوم حکمروایی محلی مطلوب به شمار می‌آید. در تأیید این مدعا می‌توان به مطالعه زاهدی (۱۳۸۸) با عنوان "توسعه پایدار و حکمرانی محلی مطلوب" اشاره کرد که در آن از مشارکت عمومی به عنوان یکی از الزامات اولیه حرکت در مسیر حکمروایی مطلوب و موفقیت نهادهای محلی یاد شده است. همچنین مطیعی لنگرودی (۱۳۸۲) نیز به نقش مشارکت و جمع‌گرایی در نظام مدیریت جدید روستایی تأکید ورزیده و توصیه کرده است که این عامل مورد توجه دهیاران قرار گیرد. قدیری و ریاحی (۱۳۸۳) نیز در بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، مشارکت مردم و نهادهای محلی را از ویژگی‌های اصلی مدیریت روستایی برشمرده است. دهیاران مورد مطالعه همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های اجرایی دیگر - به‌ویژه بخش‌داری و بنیاد مسکن - را نیز در دستیابی به موفقیت‌شان الزامی دانستند. در این میان، تأکید دهیاران بر همکاری مردم، بیش از سایر کنش‌گران بود به گونه‌ای که به گفته یکی از دهیاران "بدون همکاری مردم دهیار هیچ‌کاره است". به بیان مدیران محلی روستاهای دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، "همکاری مردم یک اصل است که بدون آن دهیار نخواهد توانست به وظایف قانونی خود جامه عمل بپوشاند".

از آنجا که نهاد دهیاری زیر نظر شورای اسلامی است، همکاری شورا یکی دیگر از عوامل موفقیت دهیاری‌ها به شمار می‌آید. دهیاری‌ها بازوی اجرایی شوراها قلمداد می‌شوند، از این رو موفقیت آنها مستلزم وجود رابطه متقابل با شورا و نهادینه کردن مشارکت و اعتماد اجتماعی در میان مردم است. بدیهی است تا زمانی که بین مردم، شورا و دهیاری - به عنوان سه رکن مدیریت محلی در روستاها - ارتباطی قوی وجود نداشته باشد و هر کدام از ارکان این مثلث به تکرور بپردازند، نمی‌توان انتظار داشت که مدیر اجرایی بتواند مشکلات جامعه روستایی را حل کند. همکاری سازمان‌های اجرایی - که هر یک متولی بخشی از امور روستا هستند - نیز در توفیق دهیاری‌ها در انجام وظایف قانونی تأثیرگذار خواهند بود. اهمیت این عامل مورد تأکید

تمامی دهیاران مورد مطالعه بود و به گفته آنها "در نهایت همکاری سازمان‌های اجرایی در پاسخگویی بموقع به مکاتبات و پیگیری‌های دهیاران، نتایج زحمات دهیار را رقم می‌زند". بنابراین، همکاری مذکور موجب افزایش اعتماد روستاییان به پیگیری‌های دهیار و در نهایت جلب مشارکت آنها خواهد شد. این یافته هم‌سو با یافته‌های مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴)، چوبچیان و همکاران (۱۳۸۶)، رضوانی (۱۳۸۸)، رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) و گلدمن (۲۰۰۲) است. پژوهشگران مذکور، مشارکت و درگیر ساختن مردم محلی، همکاری دستگاه‌های اجرایی متولی مدیریت روستایی و همکاری شورا را از عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها برشمرده‌اند. بر اساس شکل ۴، شفافیت و اطلاعات کافی علاوه بر جلب مشارکت مردم، اعضای شورا و سایر سازمان‌های اجرایی، قانون‌محوری و استقلال دهیار را نیز به دنبال دارد؛ چرا که در آن صورت، جایگاه قانونی و شخصیت حقوقی دهیار برای مردم و بقیه کنش‌گران درگیر در مدیریت روستا محرز می‌گردد. در این میان، نقش بخشداری در نظارت، پشتیبانی از جایگاه قانونی، معرفی رسمی دهیار در روستا و شناساندن وی به عنوان مدیریت محلی در کنار بی طرفی و عدم تبعیض دهیار در اجرای قانون و آزادی عمل و استقلال وی در هزینه کردن بودجه دهیاری، قانون‌محوری و استقلال دهیار را تضمین می‌کند. گلدمن (۲۰۰۲) نیز نظارت ارگان‌های دولتی بر نهادهای محلی را عاملی مهم در موفقیت نهادهای محلی بر شمرده است.

دهیاران مصاحبه‌شده بر این باورند که نهاد محلی دهیاری باید به عنوان نهاد مدیریتی مستقل دارای جایگاه قانونی معتبر و مشخصی باشد تا بتواند به انجام موفقیت‌آمیز وظایف قانونی‌اش دست یابد. به بیان ایمانی و فیروزآبادی (۱۳۸۶)، دهیاری‌ها به عنوان سازمان‌های محلی، از یک طرف با دولت از طریق استانداری و بخشداری در ارتباط‌اند و از طرف دیگر، از طریق شورا با مردم مرتبط هستند. سازمان‌های محلی، موجودیتی سازمان‌یافته هستند که مشخصات حکومتی دارند، دارای استقلال اداری و مالی (نه سیاسی) فراوانی هستند و هدف از ایجاد آنها، ارائه خدمات عمومی به مردم محلی با حداکثر کارایی و اثربخشی است (ایمانی و فیروزآبادی، ۱۳۸۶). بنابراین، شرایطی که این استقلال را خدشه‌دار کند، موجب دور شدن دهیاری از شخصیت واقعی خود می‌شود. طالب (۱۳۷۶) نیز در بررسی مدیریت روستایی در

روستاهای همدان، به نقش مهم تمرکز مدیریت در دست یکی از اهالی اشاره کرده است. رضوانی (۱۳۸۸) هم از یکپارچگی، فراگیر بودن و عدم تبعیض مدیریت‌های محلی را از الزامات موفقیت آنها یاد کرده است. یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمروایی محلی مطلوب، پاسخگویی دهیار است که در سایه تعهد و مصمم بودن دهیار در پیگیری امور روستا و صبوری و در برخورد با مشکلات احتمالی فراهم می‌آید. به گفته دهیاران مورد مطالعه، اگر مردم بدانند دهیار در مسیر توجه به نیازهای مردم و رفع مشکلات آنها تلاش می‌کند (پاسخگویی) تمایل بیشتری برای همکاری و مشارکت خواهند داشت. این یافته در مطالعه گلدمن (2002) نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های تبیین‌کننده موفقیت حکومت‌های محلی جنوب و شرق آفریقا مطرح شده است. بدین ترتیب، قانون محوری دهیار، استقلال دهیار در کنار توجه وی به مشارکت مردم، اعضای شورا و سازمان‌های دیگر اجرایی، پاسخگویی و مهم‌تر از همه شفافیت و اطلاعات کافی، اساسی‌ترین عوامل بسترساز موفقیت دهیاران یعنی حکمروایی محلی مطلوب را شکل می‌دهند. مواردی نظیر پاسخگویی، مشارکت و شفافیت به عنوان اصول حکمروایی از سوی شتیفان^۱ و دیگران (2004) چنین معرفی شده‌اند که موجبات رضایت خاطر جامعه محلی از مدیریت‌های محلی را فراهم می‌سازند و عدم توجه به آنها زمینه‌ساز بدبینی و عدم اعتماد به کنش‌گران محلی مدیریت خواهد بود.

رضایت شغلی و ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای دهیار

رضایت شغلی دهیار که از یک سو در گرو توجه به امنیت شغلی، تأمین حقوق و مزایا و بیمه، و از سوی دیگر مستلزم رتبه‌بندی دهیاری‌ها، تشویق و قدردانی از دهیاران موفق و معرفی آنها از طریق رسانه‌های عمومی است، در کنار ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای وی نظیر روابط عمومی خوب، برخورد انعطاف‌پذیر و قابل اعتماد بودن او و شرکت در دوره‌های تخصصی آموزش دهیاران از دیگر عوامل بسترساز موفقیت دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه به

1 . Shatifan

شمار می‌رود. بر اساس آمار موجود، تا کنون کار درجه‌بندی هشت‌هزار دهیاری واقع در ۱۹ استان کشور مشتمل بر آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، خراسان شمالی، زنجان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، همدان و یزد از سوی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور انجام شده و مراتب به استانداری‌ها ابلاغ شده است (باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران، ۱۳۸۷). اما دهیاری‌های استان کرمانشاه تا کنون رتبه‌بندی نشده است. دهیاران بر این عقیده‌اند که رتبه‌بندی دهیاری‌ها موجب افزایش انگیزه شغلی و رقابت دهیاری‌ها می‌گردد و در نهایت روند توسعه روستایی دهستان را سرعت می‌بخشد. دهیاران مورد مطالعه همچنین اذعان داشتند که به خاطر قبول مسئولیت دهیاری، فرصت‌های شغلی زیادی را از دست داده‌اند. با وجود این، امنیت شغلی، و حقوق و مزایای کافی ندارند که موجب ایجاد انگیزه در آنها شود تا در مسیر تحقق حکمروایی محلی مطلوب حرکت کنند. در زمان حاضر، حقوق ماهانه دهیاران نیمه‌وقت حدود ۱۰،۹۰۰،۰۰۰ ریال است که به گفته آنان "حتی هزینه ایاب و ذهاب به شهر را برای پیگیری امور روستا نیز تأمین نمی‌کند". به لحاظ بومی بودن دهیار، تمامی دهیاران مورد مطالعه بومی هستند و به صورت مداوم در روستا حضور دارند. به بیان یکی از دهیاران "مشکلات مردم ساعت و روز نمی‌شناسد، هر زمان که مراجعه کنند باید دهیار در دسترس باشد تا آنها به وی اعتماد کنند و در مواقع ضروری با وی همکاری داشته باشند". نقش رضایت شغلی و ویژگی‌های دهیار در موفقیت مدیریت محلی از سوی طالب (۱۳۷۶) و دربان آستانه (۱۳۸۹) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری

در ماده ۱۰ قانون دهیاری‌ها مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۸ تعداد ۴۸ بند به عنوان وظایف دهیاری‌ها برشمرده شده است که گستره وسیعی را شامل می‌شود و انجام آنها نیازمند امکانات، تجهیزات و بودجه کافی است (مجله دهیاری‌ها، ۱۳۸۲). دهیاران دهستان بالادربند از این عامل به عنوان یکی از عوامل تسهیل‌کننده و بسترساز موفقیت دهیاری‌ها در انجام وظایف قانونی یاد کرده‌اند.

نمونه‌های مورد مطالعه اذعان داشتند که دسترسی به ماشین‌آلات مورد نیاز منطقه با بهره‌گیری از نظر دهیار و تخصیص بودجه کافی بر مبنای فرم‌های پیش‌بینی بودجه که در پایان سال به وسیله دهیاران تکمیل می‌شود از یک‌سو، و اختصاص بموقع بودجه دهیاری‌ها از سوی دیگر، آنها را یاری خواهد کرد تا امور روستا را به بهترین نحو به انجام رسانند. در این میان، پرداخت بموقع بودجه از اهمیت ویژه‌ای دارد، که دهیاران به عنوان عاملی مهم از آن یاد کردند. به عقیده آنها چنانچه بودجه کافی باشد اما بموقع پرداخت نشود، نمی‌تواند کمکی به انجام امور روستا بکند. برای مثال، اگر بودجه در فصولی که بارندگی آغاز شده است اختصاص یابد، به علت شرایط بد آب‌وهوایی امور عمرانی روستا با مشکل مواجه خواهد شد. از طرفی، بسیاری از دهیاران معتقد بودند که ماشین‌آلات می‌بایست بر اساس نیاز روستا و شرایط توپوگرافی خاص آن اختصاص یابد، چرا که در غیر این صورت نمی‌تواند در روستا کاربردی داشته باشد و اگر دهیار بخواهد به عنوان منبع درآمدزا در سایر روستاها از آن استفاده کند، روستاییان اعتراض خواهند کرد که امور روستا را انجام نمی‌دهند. تأمین امکانات و تجهیزات در کنار بودجه کافی از سوی دربان آستانه (۱۳۸۹) و گلدمن (۲۰۰۲) به عنوان یکی از لازمه‌های موفقیت حکومت‌های محلی مورد تأکید قرار گرفته است.

در پایان متذکر می‌شویم که مدل استخراجی این پژوهش، مدل مفهومی اقتضایی است و قابلیت تعمیم ندارد. بدیهی است مدل‌های مفهومی تعمیم‌پذیری آماری ندارند و اصولاً پژوهشگران در چنین تحقیقاتی به دنبال تعمیم دادن نتایج به شکل آماری نیستند. در واقع این مدل‌ها، تعمیم‌پذیری مفهومی دارند که خود می‌تواند مبنای درخور اعتمادی برای اجرای تحقیقات کمی باشد، و به این ترتیب به تعمیم‌پذیری آماری نیز دست خواهد یافت.

پیشنهادها

مدیریت روستایی در ایران، طی چند دهه گذشته از مهم‌ترین و حساس‌ترین معضلات و چالش‌های برنامه‌ریزان و متخصصان توسعه روستایی بوده است. ضرورت تغییر الگوی خدمت‌رسانی مستقیم دولتی و جلب مشارکت‌های مردمی از طریق - دهیاری به عنوان نهاد

عمومی غیردولتی - با تأکید بر شناخت همه‌جانبه فرصت‌های موجود در روستا به‌وسیله دهیار به منظور ارائه خدمات نو و خلاقانه از یک‌سو، و سادگی تشکیلات دهیاری‌ها از سوی دیگر، موجب شده است تا دهیار به عنوان کنش‌گر اصلی مدیریت روستایی تلقی گردد. از آنجا که ایجاد هر نهاد مدیریتی نیازمند وجود پیش‌زمینه‌ها، و ساختارهای اداری و تشکیلاتی متناسب با آن نهاد است، پرداختن به عوامل بسترساز موفقیت نهاد مدیریتی دهیاری می‌تواند نخستین گام در تحقق موفقیت این نهاد و جست‌وجوی راه برون‌رفت از مشکلات مدیریت روستایی در کشور باشد. بر اساس نتایج این مطالعه کیفی و با توجه به محوریت حکمروایی محلی مطلوب در بسترسازی موفقیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، پیشنهادهایی در ادامه ارائه می‌گردد.

۱- تسهیل مشارکت عمومی به عنوان یکی از الزامات بسترساز حرکت در مسیر حکمروایی مطلوب و موفقیت دهیاری‌ها از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی برای آشنایی دهیاران، اعضای شورا و مردم به منظور شفاف‌سازی و آشنایی این کنش‌گران با وظایف دهیاران و توفیق آنها در مدیریت محلی روستا.

۲- ابلاغ وظایف دهیار به عنوان مدیریت مستقل محلی در سطح روستاها به دیگر سازمان‌های اجرایی مرتبط نظیر بنیاد مسکن، اداره برق و آب و فاضلاب روستایی به‌منظور آشنایی این سازمان‌ها با وظایف دهیار و فراهم آوردن زمینه پاسخگویی دهیار در برابر این سازمان‌ها.

۳- انجام مطالعات جامع نیازسنجی در سطح دهیاری‌ها به منظور تخصیص امکانات، تجهیزات و بودجه کافی.

۴- نظارت بخشداری و تأمین امنیت شغلی دهیار (حقوق و مزایای کافی و بیمه) به منظور افزایش رضایت شغلی دهیار به عنوان یکی از عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها.

۵- توجه به معیارهای دقیق در انتخاب دهیاران بر مبنای ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای به عنوان یکی از اجزای الگوی عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها در این مطالعه، از طریق توجه به معیارهایی نظیر قابل اعتماد بودن، روابط عمومی خوب، توانایی وی در جلب مشارکت‌های مردمی که از سوی دهیاران مورد مطالعه مورد تأکید قرار گرفت.

- ۶- عنایت ویژه سازمان‌هایی نظیر بخشداری و استانداری به قانون‌محوری و استقلال دهیاران به عنوان یکی از عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها از طریق توجه به استقلال نهاد محلی دهیاری و آزادی عمل لازم از طریق فراهم آوردن امکان مکاتبه مستقیم دهیاران با سازمان‌های دیگر معرفی رسمی دهیار در روستا، نظارت و پشتیبانی از جایگاه قانونی وی به‌ویژه از سوی بخشداری و صدور کارت شناسایی دهیار.
- ۷- تشکیل تعاونی دهیاری‌ها به منظور تلفیق و تجمیع امکانات و استفاده مشترک از تجهیزات فنی و ماشین‌آلات به منظور تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری‌ها. چرا که به دلیل ضعف توان مالی دهیاری‌ها، پایین بودن حجم عملیات اجرایی، عمرانی و خدماتی، تجهیز و انجام امور هر دهیاری به طور مستقل، مقرون به صرفه نیست.
- ۸- از آنجا که رتبه‌بندی دهیاری‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده رضایت شغلی دهیار در این مطالعه مطرح گردید، پیشنهاد می‌شود حکمروایی محلی دهیاری‌های دهستان بالادربند به عنوان معیاری در سنجش موفقیت این نهاد مورد بررسی قرار گیرد و بر اساس یافته‌های آن به رتبه‌بندی دهیاری‌ها اقدام گردد.

منابع

- ادیب حاج‌باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش، ۱۳۸۹، روش‌های تحقیق کیفی، انتشارات بشری، چاپ دوم.
- افتخاری، عبدالرضا، رکن‌الدین سجاسی قیداری، حمداله و عینالی، جمشید، ۱۳۸۶، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصلنامه روستا توسعه، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص. ۱-۳۰.
- ایمانی جاجرمی، حسین و فیروزآبادی، سید احمد، ۱۳۸۶، بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، صص. ۹۱-۱۱۱.

باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران (۱۳۸۷).

Available at: <http://iscanews.ir/fa/ShowNewsItem.aspx?NewsItemID=228437>

بی‌نام، ۱۳۸۲، دهیاری‌ها و مدیریت روستایی، مجله دهیاری‌ها، شماره اول، خردادماه.

پاپ‌زن، عبدالحمید و علی بیگی، امیرحسین، ۱۳۸۵، تحلیل انتظارات روستاییان شهرستان کرمانشاه از شوراهای اسلامی روستا، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، صص. ۵۳-۳۷.

پاپ‌زن، عبدالحمید، قبادی، پرستو، زرافشانی، کیومرث و گراوندی، شهپر، ۱۳۸۹، مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (مورد: روستای حریر، استان کرمانشاه)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۳، صص. ۵۲-۲۵.

چوبچیان، شهلا، کلانتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین، ۱۳۸۶، عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان، فصلنامه روستا توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص. ۸۷-۱۰۷.

دربان‌آستانه، علیرضا، ۱۳۸۹، سنجش سطح حکمروایی روستایی و عوامل مؤثر بر آن در حکومت‌های محلی شهرستان قزوین، طرح پژوهشی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

دفتر امور روستایی استانداری کرمانشاه، ۱۳۸۹، آمار دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه.

رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، چاپ سوم.

زاهدی، شمس‌السادات، ۱۳۸۸، توسعه پایدار، انتشارات سمت، چاپ دوم.

سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۸۷.

طالب، مهدی، ۱۳۷۶، مدیریت روستایی در ایران، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران.

قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید، ۱۳۸۳، بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۰، صص. ۱۹۹-۱۷۷.

مطیعی لنگرودی، حسن، ۱۳۸۲، مدیریت برای نوسازی روستایی تجربه اروپا و شمال امریکا، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱، صص. ۲۵۱-۲۲۹.

خدیجه مرادی و عبدالحمید پاپزن ————— ارائه الگویی به منظور شناسایی عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها

مهدوی، مسعود و نجفی کانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، دهیاری‌ها، تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران
نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۷،
شماره ۵۳، صص. ۲۱-۳۹.

Gardiner, R. 2002, **Governance for Sustainable Development**, Outcomes from Johannesburg, PP. 1-7. Available at: www.globesa.org (February 2010).

Goldman, I. 2002, **Local Governance for Rural Development: A case study from South and East Africa**, Policies and approaches for rural poverty reduction, PP. 1-7.

Shatifan, N., Yunita, R., Nugroho, R., and Abas, M., 2004, **Strengthening Local Governance Central Sulawesi and North Maluku**, Thematic Assessments, PP. 1-33.

Sheng, K. Y., 2008, **What Is Good Governance**, United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific, PP. 1-3. Available at: <http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.pdf>.

